

روز زن

الكساندرا كولنتای

فوریه ۱۹۱۳

برگردان به فارسی: الف. بهرنگ

"روز زن" چیست؟ آیا برگزاری روزی به نام "روز زن"، واقعا ضروری است؟ آیا "روز زن"، نوعی امتیاز به زنان بورژوا، به فمینیست ها و طرفداران حق رأی [برای زنان]، محسوب نمی شود. آیا این روز، برای وحدت جنبش کارگری، زیان آور نیست؟

این سوالات کماکان در روسیه مطرح می گردند، هرچند که در خارج از کشور، چنین سوالاتی دیگر به گوش نمی رسند. در واقع، جریان زندگی ی واقعی، پاسخ روشن و گویایی به این سوالات داده است.

"روز زن"، حلقه ئی است از زنجیره ی گسترده و نیرومند جنبش پرولتری زنان. ارتش منظم و سازماندهی شده ی زنان، هر سال وسعت می یابد. ۲۰ سال قبل، اتحادیه های کارگری، تنها، دسته های کوچکی از زنان کارگر را در خود جای داده بودند که در اینجا و آنجا و به طور پراکنده در درون صفوف حزبی کارگران، پخش شده بودند... [در حالی که] امروزه، اتحادیه های کارگری انگلستان بیش از ۲۹۲ هزار عضو زن دارند. در آلمان حدودا ۲۰۰ هزار زن در جنبش اتحادیه های کارگری و ۱۵۰ هزار زن در حزب کارگری این کشور، فعالیت می کنند. در اتریش ۴۷ هزار تن از زنان در اتحادیه های کارگری و تقریبا ۲۰ هزار زن در حزب، حضور دارند. همه جا، از ایتالیا و مجارستان و دانمارک، تا سوئد و نروژ و سوئیس، زنان طبقه ی کارگر، خود را سازماندهی می نمایند. هم اکنون، ارتش سوسیالیستی ی زنان، تقریبا ۱ میلیون عضو دارد. و این نیروئی است بس عظیم! نیروئی که وقتی بحث هزینه ی زندگی، بحث بیمه ی زایمان، بحث کار کودکان و قوانین حمایت از کار زنان را به میان می کشد، قدرت های حاکم بر این جهان نمی توانند و قادر نخواهند بود که آن را نادیده بگیرند.

روزگاری، مردان کارگر بر این باور بودند که آنها، خود به تنهایی، باید بار مبارزه علیه سرمایه را بر دوش بکشند؛ که آنها، خود به تنهایی و بدون همیاری زنان هم طبقه شان، باید با "جهان کهنه" درافتند. اما به موازات ورود زنان طبقه ی کارگر به درون صفوف انسان هایی که نیروی کار

شان را می فروشند- زنانی که اجبارا به واسطه ی نیاز، و به این دلیل که همسران و یا پدران شان در بیکاری بسر می برند به بازار کار رانده شده اند- مردان کارگر به این واقعیت پی بردند که تنها گذاشتن و رهاکردن زنان در "ناآگاهی ی طبقاتی"، عملا به اهداف مبارزاتی ی خود آنها آسیب رسانده و مانع از تحقق آن اهداف می گردد. [چرا که] هرچه صفوف نیروهای مبارز آگاه گسترده تر، امکان پیروزی نیز بیشتر خواهد بود. برآستی، زنی که صبح تا شب در آشپزخانه کار می کند؛ زنی که از هیچ حقی در جامعه، از هیچ حقی در دولت و از هیچ حقوقی در خانواده برخوردار نیست، چه حد آگاهی ی طبقاتی می تواند کسب کند؟ او در یک چنین شرایطی، اصلا قادر نیست "فکر و عقیده" ئی از خودش داشته باشد! [چرا که] همه چیز به اراده و تحت فرمان پدر یا همسر، انجام می گیرد....

عقب مانده گی و بی حقوقی زنان، انقیاد آنان و بی تفاوتی شان نسبت به مسائل، نه تنها سودی به حال طبقه ی کارگر ندارد، بلکه اساسا و به طور مستقیم برای این طبقه، زیانبار است. اما زنان کارگر را چگونه باید به درون جنبش ترغیب نمود، آنان را چگونه باید بیدار و آگاه ساخت؟ سوسیال دمکراسی در خارج از کشور راه حل درست را بلافاصله پیدا نکرد. سازمان های کارگری درهای خود را به روی زنان باز گذاردند، اما با این وجود، تعداد اندکی وارد این سازمان ها شدند. چرا؟ به این دلیل که طبقه ی کارگر در ابتدا به این نکته توجه نداشت که یک زن کارگر،

از نقطه نظر حقوقی و اجتماعی، محروم ترین عضو طبقه ی کارگر است. و نیز این که، برای آن که بتوان در دل و جان او اثر گذارد، باید برخوردی ویژه با او داشت؛ باید با کلامی با او سخن گفت که برای او به عنوان یک زن، کلامی قابل فهم و آشناست. البته در ابتدا، کارگران بلافاصله قادر به درک این واقعیت نبودند که در این دنیای مملو از بی حقوقی و استثمار، زن نه فقط به عنوان فروشنده ی نیروی کار اش، بلکه علاوه بر آن، به عنوان یک مادر، به عنوان یک زن... تحت ستم و سرکوب واقع می گردد. اما هنگامی که حزب سوسیالیستی کارگران به این واقعیت آگاهی حاصل کرد، شجاعانه و بدون ملاحظه کاری، از هر دو زاویه به دفاع از حقوق زنان برخاست- یعنی هم از زاویه ی یک کارگر مزدبگیر، و هم به عنوان یک زن، یک مادر. در همین راستا، سوسیالیست های هر کشور، مطالبه ی قوانین حمایتی ی ویژه در ارتباط با کار زنان، برقراری بیمه های اجتماعی برای مادران و کودکان، حقوق سیاسی برای زنان و دفاع از منافع آنان را آغاز نمودند. و در این مسیر، هر قدر که احزاب کارگری- و متقابلا خود زنان کارگر- نسبت به این زاویه ی دوم درک و برخورد روشن تری پیدا کردند، زنان کارگر نیز به همان اندازه با تمایل و رغبت بیشتری به این احزاب روی آورده و بیشتر به این نکته پی بردند که احزاب مزبور، مدافعان واقعی ی آنان می باشند، و نیز این که، طبقه ی کارگر در جهت نیازها و خواست های عاجل و ویژه ی آنان نیز، مبارزه می کند. و در این میان، خود زنان کارگر، به طور منظم و آگاهانه، تلاش های ارزنده ای در اثبات این امر، به عمل آورده اند. و

اکنون، بار اصلی ی جذب هرچه بیشتر زنان کارگر در درون جنبش سوسیالیستی بر دوش خود زنان می باشد. هر یک از احزاب سوسیالیستی کشورهای مختلف جهان، در درون خود، کمیته ها، هیئت ها و دفاتر ویژه ی زنان را دایر نموده اند. این کمیته ها، در میان آن دسته از زنان که بخش بزرگی از آنان هنوز از آگاهی سیاسی برخوردار نیستند، فعالیت کرده و آنان را آگاه ساخته و سازماندهی می نمایند. این کمیته ها همچنین مقولات و مطالباتی که به طور اخص به وضعیت زنان مربوط می شود را مورد بررسی قرار می دهند- مقولات و مطالباتی نظیر برقراری قوانین حمایتی و امتیازهای ویژه برای مادران باردار و شیرده، برقراری ضوابط و آئین نامه های قانونی در ارتباط با کارگران زن، مبارزه با تن فروشی و مرگ و میر نوزادان، مطالبه ی حقوق سیاسی برای زنان، بهبود وضع مسکن، مبارزه با افزایش هزینه ی زندگی و غیره.

بنابراین، زنان کارگر، به مثابه اعضاء حزب، در عین حال که در جهت اهداف طبقاتی عام و مشترک طبقه کارگر می جنگند، در همان حال نیز، نیازها و مطالبات خاص خود- به عنوان یک زن، به عنوان بانوی خانواده و به عنوان یک مادر- را مطرح ساخته و پیش می برند. حزب، از این مطالبات پشتیبانی نموده و برای تحقق آنها مبارزه می کند... [چرا که در واقع] خواست ها و نیازهای زنان کارگر، بخشی تفکیک ناپذیر از اهداف عام کارگری ست!

در "روز زن"، زنانی که خود را سازماندهی کرده اند برعلیه بی حقوقی خویش تظاهرات برپای می سازند. اما، برخی نیز خواهند گفت که چرا باید زنان کارگر را این طور از بقیه ی طبقه ی کارگر مجزا کرد؟ چرا باید روز به خصوصی تحت عنوان "روز زن" برپا کرد، اعلامیه های ویژه ای در رابطه با زنان کارگر نوشت، و میتینگ ها و کنفرانس های ویژه ی زنان طبقه ی کارگر برگزار کرد؟ آیا در تحلیل نهایی، این کارها نوعی امتیاز به فمینیست ها و بورژواهای طرفدار حق رأی [برای زنان] نیست؟

تنها، کسانی می توانند این گونه فکر کنند که قادر به درک اختلاف عمیق میان جنبش زنان سوسیالیست و بورژواهای طرفدار حق رأی، نیستند.

هدف فمینیست ها چیست؟ هدف آنها، این است که همان مزایا، همان قدرت و برتری، و همان حقوقی را در چارچوب جامعه سرمایه داری کسب نمایند که هم اکنون شوهران، پدران و برادران شان از آن ها برخوردار هستند.

هدف کارگران زن، چیست؟ هدف آنها، نابودی و لغو تمامی ی امتیازاتی است که از روابط موروثی و یا از ثروت و دارائی افراد نشأت گرفته است. برای یک زن کارگر، این که آیا "سرور" مرد است یا زن، موضوعی است علی السویه. او به همراه کل اعضاء هم طبقه اش می تواند موقعیت

خود را به عنوان یک کارگر، بهبود بخشد. فمینیست ها همیشه و در همه جا خواهان حقوق برابر هستند. اما زنان کارگر در جواب می گویند: ما خواهان حقوق آحاد جامعه هستیم؛ مرد و زن. اما حاضر نیستیم از این واقعیت چشم پوشیم که ما نه فقط کارگر و شهروند جامعه ایم، بلکه ما در عین حال مادر ایم! و به عنوان مادران، به عنوان زنانی که زاینده گان و خالقان آینده اند، خواهان ملاحظات ویژه نسبت به وضعیت خود و فرزندان مان هستیم و خواستار برقراری حقوق حمایتی ی ویژه از سوی دولت و جامعه، می باشیم.

فمینیست ها برای برخورداری از حقوق سیاسی مبارزه می کنند. اما در اینجا نیز مسیر و راه ما از آنها جداست. برای زنان بورژوا، حقوق سیاسی صرفا وسیله ئی ست تا با آن در جهانی که بنیاد اش بر بهره کشی و استثمار توده های کارگر بنا گردیده است، امورات خود را راحت تر و مطمئن تر هموار ساخته و پیش برند. در حالی که برای کارگران زن، حقوق سیاسی گامی ست در راه سخت و پرسنگلاخی که به حاکمیت و اقتدار مورد نظر نیروی کار منتهی خواهد شد. مسیر مبارزاتی ی کارگران زن و بورژواهای طرفدار حق رأی، دیرزمانی ست که از هم فاصله گرفته اند. در واقع، بین اهداف و چشم اندازهای مبارزاتی ئی که جریان زندگی ی اجتماعی ی این دو در برابر آنان قرار داده است، اختلاف بسیار عظیمی وجود دارد. بین منافع یک کارگر زن و منافع یک خانم مالک، بین یک خدمتکار و زنی که ارباب اوست، تضاد فوق العاده

ئی وجود دارد... هیچ نقطه ی اتفاقی، هیچ مصالحه ئی و هیچ نوع همسویی بین این دو، نه وجود دارد و نه می تواند به وجود آید. بنابراین، مردان کارگر، نه از برگزاری روز ویژه ای به نام روز زن، نه از کنفرانس های ویژه ی زنان و نه از نشریات مختص به آنان، نباید وحشت به دل راه دهند. هر شکل خاص و ویژه ئی از فعالیت در میان زنان طبقه ی کارگر، در واقعیت امر، وسیله ئی ست برای برانگیختن آگاهی زنان کارگر و کشاندن آنان به سوی صفوف انسان هایی که برای آینده ئی بهتر می جنگند... روز زن و کار و تلاش سخت و توانفرسایی که در راستای برانگیختن خودآگاهی ی کارگران زن به عمل آمده است نه در جهت افتراق بلکه در خدمت به اتحاد طبقه ی کارگر قرار دارد.

باشد تا احساس شادیبخش خدمت به اهداف طبقاتی عام طبقه کارگر، و در عین حال خدمت به مبارزه برای رهایی ی زن، الهام بخش زنان کارگر گردد تا روز زن را جشن بگیرند.

پراودا، شماره ۴۰

۱۷ فوریه ۱۹۱۳

سنت پترزبورگ